

## **Preserving territorial integrity from the perspective of Imami jurisprudence and the jurisprudence of the four Sunni religions**

### Abstract

Today, preserving the independence and territorial and border integrity of countries has been considered and emphasized as a global principle. According to the ninth principle, "in the Islamic Republic of Iran, freedom, independence, unity and territorial integrity of the country are inseparable and the preservation of them is the duty of the government and the people. No individual, group or authority has the right to inflict the slightest damage on the political, cultural, economic and military independence and territorial integrity of Iran in the name of exercising freedom, and no authority has the right to exercise legitimate freedoms in the name of preserving the country's independence and territorial integrity. "Laws and regulations, deprive." Due to the importance of the issue of protection of land borders and the existence of different ethnicities and religions in the country, the present study has been conducted with the aim of examining and analyzing the preservation of territorial integrity from the perspective of Imami jurisprudence and jurisprudence of the four Sunni religions. The results of the descriptive research indicate that despite the differences between the jurists of the Shiite religion and the four religions, the jurists of the four religions have formally accepted the unity in protecting the country's borders. Studies show that the jurists of the four religions, like the jurists of the Shiite religion, are organized in defense of the country against the invasion of the enemies, which is called defensive jihad.

Accept and adhere to it. It is clear that the efforts and concerns of protecting the country's borders are not reserved for Shiite jurists, and the jurists of Sunni religions have considered border protection as an objective obligation.

**Keywords:** Preservation of Territorial Integrity, View of Imami Jurisprudence, View of Jurisprudence of the Four Sunni Religions

## حفظ تمامیت ارضی از دیدگاه فقه امامیه و فقه مذاهب اربعه اهل سنت

حسین بخشی شاهرخ آبادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

علیرضا عسکری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

سیدمحمد مهدی احمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

مفهوم قلمرو ملی و مرزهای جغرافیایی آن مبین گستره جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت کشورهاست. امروزه حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مرزی کشورها به عنوان یک اصل جهانی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در ایران قانون اساسی کشور، مهمترین منادی چنین نگرشی است. اصل نهم در قانون اساسی بیانگر نگرش قانون اساسی به رابطه استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور باشد. به موجب این اصل «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». با توجه به اهمیت موضوع صیانت از مرزهای سرزمین و نیز وجود قومیت‌ها و مذاهب مختلف در کشور تحقیق حاضر با هدف بررسی و تحلیل حفظ تمامیت ارضی از دیدگاه فقه امامیه و فقه مذاهب اربعه اهل سنت صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق که به روش توصیفی انجام گردیده است حاکی از آن است که باوجود اختلافاتی که میان فقها مذهب شیعه و مذاهب اربعه وجود دارد، فقهای مذاهب اربعه اتحاد را در صیانت از مرزهای کشور به شکل رسمی پذیرفته است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که فقها مذاهب اربعه مانند فقها مذهب شیعه دفاع سازمان‌یافته از کشور در برابر تهاجم دشمنان که از آن به جهاد دفاعی یاد می‌کنند. را پذیرفته و به آن پایبند هستند. مشخص است که تلاش و نگرانی‌های صیانت از مرزهای کشور اختصاص به فقیهان شیعه ندارد و فقهای مذاهب اهل سنت نیز صیانت از مرزها را واجب عینی دانسته‌اند.

**کلید واژه:** حفظ تمامیت ارضی، دیدگاه فقه امامیه، دیدگاه فقه مذاهب اربعه اهل سنت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران Vahed305159@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسول) asgarias@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد پردیسان قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تمامیت ارضی یک سرزمین یا کشور از مؤلفه‌های استقلال ملی و ناظر به محدوده جغرافیایی قراردادی برای اداره و حاکمیت بر آن است؛ و بر قلمرو تعیین شده‌ای برای یک کشور اطلاق می‌شود که میزان شمول اقتدار و اراده آن نسبت به سایر دولت‌ها قابل تفکیک باشد. تمامیت ارضی ضامن استقلال کشور و سرزمین صلح و امنیت بین‌المللی و زمینه‌ساز دفاع از حاکمیت دولت و استقلال آن می‌باشد؛ و به واسطه تمامیت ارضی میزان اعمال اراده حکومت در ارتباط با سایر حکومت‌ها تعیین می‌گردد و به این معناست که هیچ‌گاه نباید قسمتی از کشور از آن جدا شود. بررسی تمامیت ارضی در علوم گوناگون از جمله علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیای سیاسی، جامعه‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ اما یکی از علوم مهم که ضرورت دارد به این موضوع در آن پرداخته شود، علم فقه است. با توجه به اینکه فقه در هر زمان پویا است و جوابگوی سؤالات و نیازها می‌باشد؛ و هیچ مسئله‌ای را بدون پاسخ نمی‌گذارد. در این موضوع هم راه را برای عرصه سیاسی و اجتماعی باز گذاشته است. با توجه به اهمیت علم فقه و اینکه تمامی مسائل از فقه گرفته می‌شود و فقه متشکل از امامیه و اهل تسنن می‌باشد، ضرورت دارد به این بحث پرداخته شود و بررسی و واکاوی در متون فقه و نظرات فقهای شیعه و اهل تسنن صورت گیرد و نتیجه هرکدام ارائه گردد و آرا طرفین مقایسه و حدود و ثغور مسئله مشخص گردد. همه مسلمانان از آغاز اسلام به فقه رجوع می‌کردند و همیشه مدنظر متشرعه بوده است و اکثر مسائل در علم فقه مطرح گردیده. این علم پاسخگوی تمامی مسائل روزمره می‌باشد. از جمله موضوع مورد بحث که ضرورت دارد در این مسئله حفظ تمامیت ارضی نیز سراغ این علم رفته و برای بیان اهمیت و حدود آن، نظرات فقها اعم از شیعه و اهل تسنن مورد بررسی قرار گیرد؛ و هدف تعریف و تحلیل تمامیت ارضی و آگاه کردن خواننده از اهمیت تمامیت ارضی و مرزهای ملی از دیدگاه فقه امامیه و اهل تسنن می‌باشد.

### سؤالات تحقیق

- ۱- مسئله حفظ تمامیت ارضی کشور در فقه امامیه و اهل تسنن چگونه مطرح گردیده است؟
- ۲- دیدگاه فقها امامیه در مسئله حفظ تمامیت ارضی کشور چیست؟
- ۳- دیدگاه فقها مذاهب اربعه در مسئله حفظ تمامیت ارضی کشور چیست؟

### فرضیه تحقیق

حفظ تمامیت ارضی در فقه امامیه به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است اما در فقه مذاهب اربعه مورد انکار واقع شده، مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

### اختلافات شیعه و اهل تسنن

اختلافات شیعه و اهل تسنن را به دو طریق می‌توان مورد بررسی قرارداد. یکی پرداختن به ویژگی‌های هرکدام از آنهاست که این ویژگی‌ها، آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند مثلاً عاطف‌گیری و موجبت تاریخی از مشخصه‌های شیعه است و دیگری از طریق پرداختن به مجادلاتی است در میان آنها صورت گرفته است که این مجادلات عمدتاً در دو محور واقع شده است یکی نوع نگرش آنها نسبت به شخصیت‌های صدر اسلام است و دیگر مجادلات اعتقادی است که در این خصوص علاوه بر اختلاف نظر آنها در تعیین جانشینی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سه موضوع به لحاظ اندیشه سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است:

۱- **رابطه نظریه سیاسی با واقعیت سیاسی:** نظریه‌های سیاسی اهل تسنن به لحاظ تاریخی معطوف به واقعیت سیاسی بوده است بدین معنا که این واقعیت سیاسی بوده که نظریه سیاسی را در اندیشه سیاسی اهل سنت موجب شده است. مثلاً نحوه انتخاب ابوبکر در سقیفه بنی ساعده مبنای نظریه اهل حل و عقد قرار گرفت. درحالی که نظریات سیاسی شیعه مسبوق به واقعیت‌های سیاسی نیست بلکه شیعه دارای اندیشه سیاسی بوده و بر اساس آن به دنبال ایجاد واقعیت سیاسی بوده است «امامت» در نزد شیعه، اندیشه سیاسی است که شیعه درصدد محقق ساختن آن بوده است.

۲- **عدالت و امنیت:** هدف اساسی فعالیت‌های سیاسی در نزد اهل تسنن امنیت است و عدالت تحت‌الشعاع امنیت قرار می‌گیرد و به این جهت است که در اندیشه سیاسی اندیشمندان اسلامی سنی مذهب حتی پیروی و اطاعت از حاکم ستمگر نیز تجویز شده است حتی یکی از راه‌های انتخاب خلیفه روش قهر و غلبه است. درحالی که هدف اساسی فعالیت‌های سیاسی در اندیشه سیاسی شیعه تأمین عدالت است و عدالت به‌عنوان یک استراتژی مطرح است که با هیچ‌چیز دیگری قابل معاوضه می‌باشد. در نزد شیعه امنیت و نظم واقعی در پرتوی حکومت عادلانه محقق می‌شود.

۳- **مشروعیت و مقبولیت:** در تشیع بهترین نظام در مرکز توجه است درحالی که در تسنن اساس نظام کارآمد، پذیرش امر واقع است به عبارت دیگر در تسنن به لحاظ نظری مشروعیت و مقبولیت خلیفه باهم ارتباط تنگاتنگ دارد. درحالی که در تشیع مشروعیت امام در گرو مقبولیت و پذیرش مردمان نیست (قادری، ۱۳۷۸: ۴۳).

#### اتحاد میان شیعه و اهل تسنن در صیانت از مرزهای کشور

باوجود اختلافاتی که بین شیعه و اهل تسنن وجود دارد اما در بسیاری از موارد اتحاد این دو گروه به اثبات رسیده است به‌طور مثال در رابطه با اتحاد این دو گروه در صیانت از مرزهای کشور می‌توان به این مورد تاریخی اشاره نمود:

... بیم و نگرانی علما از نفوذ و قدرت‌گیری مخالفان مذهبی مانند اخباریان، صوفیان، بابی‌ها و شیخی‌ها، داعیه شریعت‌طلبی سلطنت، عقیده به لزوم وجود سلطنت برای ترویج شریعت و اعتقاد آنان به نقش سلطنت به‌عنوان تنها مرجع قدرت دنیوی برای دفاع از سرزمین اسلامی در برابر دست‌یازی‌های سلطه‌جویانه‌ی قدرت‌های خارجی به‌ویژه روسیه که به دیده علما «کفار» محسوب می‌شدند، از مهم‌ترین عللی بود که به همکاری بسیاری از علمای دینی عصر قاجاریه با نهاد سلطنت انجامید (آجدانی، ۱۲۸۳: ۱۹). از این‌رو شرایط سخت سیاسی خصوصاً فشارهای خارجی، دولت قاجار را سخت نیازمند جلب حمایت و پشتیبانی داخلی نموده بود (حائری، ۱۳۶۷: ۳۵۰).

#### جهاد در دیدگاه فقهای مذاهب اربعه در مقایسه با فقه شیعه

در منابع اصیل اسلام مانند قرآن و سنت، دفاع به‌عنوان حقی فطری و طبیعی به رسمیت شناخته شده است و فقیهان اهل بیت (علیه‌السلام) نیز از آغاز اجتهاد به این امر مهم همت گماشته و دیدگاه اجتهادی خود را در این مسئله حیاتی ابراز کرده‌اند. دفاع در فقه شیعه به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود (جمعی از محققان مدرسه عالی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲: ۳۶۴):

- ۱- دفاع سازمان‌یافته از کشور در برابر تهاجم دشمنان که از آن به جهاد دفاعی یاد می‌کنند.
- ۲- دفاع فردی یا گروهی از جان و ناموس و مال خود و دیگران در برابر متجاوزان به آن‌ها.

در رابطه با دفاع سازمان‌یافته (جهاد دفاعی) از کشور در برابر تهاجم دشمنان می‌توان به سخنان ابوالصلاح حلبی اشاره نمود؛ ابوالصلاح حلبی از جمله فقیهان پیشین است که به دفاع سازمان‌یافته پرداخته و نوشته است: جهاد با کافران و جنگ طلبان فاسق واجب است... پس اگر چنانچه از ناحیه بعضی کافران و جنگ طلبان خوف تجاوز به بعضی از سرزمین‌های اسلامی داده شود، بر اهالی تمام اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند (جمعی از محققان مدرسه عالی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲: ۳۶۴).

همان‌گونه که مشخص است ابوالصلاح حلبی صراحتاً تأکید کرده است که بر اهالی تمام اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند و در این مورد نه تنها تفاوتی میان مذاهب گوناگون قائل نشده است بلکه افراد به اتحاد برای صیانت از مرزهای سرزمین خود دعوت نموده است. شیخ طوسی نیز در کتاب‌های متعدد فقهی خود به جهاد دفاعی اشاره کرده که در آن دو مورد جهاد را در هر صورت مشروع و لازم می‌داند:

۱- جامعه و سرزمین اسلامی از جانب دشمن مورد تهدید واقع شود، به‌گونه‌ای که خوف نابودی جامعه اسلامی داده شود.

۲- گروهی از مسلمانان مورد تهدید دشمن قرار گیرند.

ایشان به صراحت اعلام کرده است که در این دو صورت جهاد لازم است و مجاهد می‌بایست قصد دفاع از خود و یا حوزه اسلام و مؤمنان را بنماید، نه قصد جهاد همراه امام جائر، یا وارد نمودن کفار به اسلام که همان جهاد ابتدایی است (شیخ طوسی، ۱۴۰: ق: ۳۵۲). جهاد ابتدایی در اصطلاح فقهی، به معنای جنگی است که آغاز حرکت نظامی از سوی مسلمانان بوده است. این اصطلاح در برابر جهاد دفاعی به کار می‌رود که به دنبال آغازگری کافران در حرکت نظامی رخ می‌دهد (موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۴۴). درباره هدف از جهاد ابتدایی، اتفاق‌نظری وجود ندارد و آرای گوناگونی مطرح شده است که در ادامه شرح داده می‌شود: نظریه نخست، هدف مستقیم جهاد ابتدایی را نه ترویج دین و نه گسترش حکومت می‌داند. این نظریه، جهاد ابتدایی را به‌منظور جهاد دفاعی؛ یعنی حفظ و برقراری امنیت مسلمانان واجب می‌داند. تفاوت تنها در این است که در جهاد دفاعی، دشمن حرکت نظامی را آغاز کرده، اما در جهاد ابتدایی دشمن هنوز حرکت نظامی نداشته و صرفاً قصد جنگ دارد و آمادگی خود برای تجاوز را به نحوی نشان داده است. در میان شیعه، دانشمندانی مانند محمدجواد بالغی و سیدمحمدحسین فضل‌الله و در میان اهل سنت: محمد عبده، محمد رشید رضا از طرفداران این نظریه‌اند (بلاغی، ۱۴۳۱: ۲۲۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۴۸/۵؛ عبده، ۲۰۰۵: ۱۳۱؛ رشید رضا، ۱۹۹۰: ۲۶۹/۱۰).

نظریه دوم معتقد است، جهاد ابتدایی باهدف سیاسی و گسترش محدوده حاکمیت اسلام واجب است؛ یعنی باید با نظام‌ها و حکومت‌های کفر مبارزه کرد و نظام توحیدی و مبتنی بر حاکمیت توحید را به قدرت رساند. بر این اساس، تنها باید با نظامیان و کسانی که مانع گسترش حکومت اسلامی هستند، جنگید، نه تمام کافران. از علمای اهل سنت، مودودی و سیدقطب از نخستین طرفداران این نظریه‌اند و در میان شیعه عالمانی چون سیدمحمدکاظم حائری و مهدی آصفی به این نظریه گرویده‌اند (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۴۳۳؛ حائری، بی‌تا: ۱۰؛ آصفی، ۱۴۲۱: ۵۲).

نظریه سوم نظریه‌ای است که جهاد ابتدایی را جنگی باهدف ترویج و گسترش ایدئولوژی یا دین توصیف می‌کند. به تعبیر دیگر، جهاد ابتدایی به‌منظور دعوت به شریعت اسلام انجام می‌شود و تا مسلمان شدن یا کشته شدن کافران متوقف نخواهد شد. از این نظریه، گاهی با عنوان «جهاد دعوت» و گاهی با عنوان «جهاد طلب» یاد می‌شود (شافعی، ۱۴۲۲: ۳۹۸/۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۸۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۹/۹). به‌طور کلی می‌توان گفت

که جهاد ابتدایی جنگی است که مسلمانان، در شرایط خاص و برای تحقق اهداف خاص، علیه غیرمسلمانان، اعم از اهل کتاب و مشرکان، آغاز می‌کنند؛ و جهاد دفاعی، یا دفاع، نیز جنگی است که برای مقابله با هجوم غیرمسلمانان و باهدف دفاع از سرزمین‌های اسلامی انجام می‌شود. روشن است، جهاد دفاعی زمانی آغاز می‌شود که دشمن یورش آورده باشد و در چنین شرایطی، لزوم دفاع مشروع مسلم است که مبحث اصلی پژوهش حاضر نیز می‌باشد.

جهاد در فقه اهل سنت عبارت است از: «قِتَالُ مُسْلِمٍ كَافِرًا غَيْرَ ذِي عَهْدٍ بَعْدَ دَعْوَتِهِ لِلْإِسْلَامِ وَإِيَّائِهِ، إِعْلَانٌ لِكَلِمَةِ اللَّهِ»، یعنی جنگ مسلم با کافری که به عهدش، (جزیه دادن) وفا نکرده است، پس از دعوت آن کافر به اسلام و نپذیرفتن او، به هدف تعالی کلمه (وزارت اوقاف الکویت، ۱۴۲ ق: ۱۲۴/۱۶؛ عزیزان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

فقه‌های اهل سنت نیز همانند فقه‌های شیعه، جهاد را از عبادت‌های بزرگ و واجبات مهم دین می‌دانند با این اختلاف نظر که تفاوتی میان جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قائل نیستند، احمدبن حنبل درباره اهمیت جهاد و مبارزه می‌گوید: «در میان فرائض، عملی بالاتر از جهاد نمی‌شناسم» (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

در مذاهب اربعه‌ی اهل سنت نیز، اصل و جوب جهاد، امر مسلمی است به طوری که در برخی از کتب مهم ایشان به آن اشاره و تأکید شده است، به‌عنوان مثال: در فقه حنفی می‌توان به «بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع» تألیف علاءالدین کاشانی (م ۵۷۸)؛ در فقه مالکی دو کتاب را می‌توان ذکر نمود: کتاب «بدایه المجتهد و نهایه المقتصد» از کتب معروف فقه مالکی است که تألیف محمدبن احمدبن رشد، معروف به ابن رشد قرطبی اندلسی (۵۲۰-۵۹۵ ه ق) است. کتاب «المدونه الكبرى فی الفقه الاسلامی» تألیف مالکبن انس اصبحی (م ۱۷۹)، این کتاب نیز از جمله کتب مهم فقه مالکیه است. در فقه شافعی می‌توان به کتاب معروف «الام» تألیف محمدبن ادریس شافعی (م ۲۰۴) اشاره کرد که البته در حاشیه آن نیز، «مختصر مزنی» وجود دارد که توسط اسماعیل مزنی (م ۲۶۴) نگاشته شده است. در فقه حنبلی که چند کتاب مهم دارند؛ یکی «العمده فی الفقه» و دیگری «الکافی فی فقه الامام احمدبن حنبل» هر دو از تالیفات ابن قدامه مقدسی (۵۴۱-۶۲۰ ه ق) (سایت رسمی فاضل لنکرانی / ۱۳۹۱/۰۵/۰۵). به‌طور کلی می‌توان گفت که فقه‌های اهل سنت در چند مورد جهاد را واجب و معین می‌دانند:

- ۱- هنگامی که سرزمین اسلامی توسط دشمن اشغال شود؛ در این صورت جهاد بر مردم آن سرزمین معین است.
- ۲- هنگامی که پیشوا و حاکم، مردم را به جهاد فراخواند. با اعلان بسیج از طرف ایشان شرکت در جهاد بر عموم واجب است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). همان‌گونه که مشخص است قول به اطلاع و جوب جهاد دفاعی اختصاص به فقیهان شیعه ندارد و فقه‌های مذاهب اهل سنت نیز جهاد دفاعی را واجب عینی دانسته و مشروط به شرایط جهاد ابتدایی نمی‌دانند (مروارید، ۱۴۱۰: ۱۲/۵).

### اصل رابطه بر تسالم و صلح

از عالمان معاصر چون آیت‌الله حسینی شیرازی معتقد است که در اسلام، اصالت با صلح است (شیرازی، ۱۴۲۶: ۵۶). صالحی نجف‌آبادی هم جنگ را صرفاً در حالت اضطرار، یعنی دفع تهاجم، جایز می‌داند و معتقد است در اسلام، اصالت با صلح است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۶). در میان عالمان معاصر اهل سنت، شیخ محمد عبده معتقد است که قرآن کریم، جنگ با کفار را به آغاز حمله و دستاندازی از طرف ایشان منوط کرده و قتال تنها برای دفاع تشریح شده است (رشیدرضا، ۱۹۹۰ م: ۱۷۴/۲). وهبه زحیلی بر این باور است که در اسلام جنگ را نمی‌توان طبق تقسیم معروف، به دفاعی و تهاجمی تقسیم کرد (زحیلی، ۱۳۸۹: ۹۲)؛ و واجب بودن اصل جهاد

به معنای تهاجمی و خصمانه بودنش نیست بلکه به عکس، جهاد اصلی دفاعی و بازدارنده است (زحیلی، ۱۳۸۹: ۸۶). متأخران از اهل سنت نیز به این موضوع در قالب اصل رابطه بر تسالم و صلح اشاره نموده‌اند که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود:

شیخ محمود شلتوت می‌نویسد: هدایت اسلامی ما را به سوی صلح و دوستی فرامی‌خواند تا جایی که مخالفت نسبت به دین حق را از اسباب دشمنی و تجاوز نمی‌داند (شلتوت، ۱۳۹۹ ق: ۹۳).

و در جایی دیگر بیان می‌کند: مسلمانان با تکیه بر قاعده فطری اجتماعی که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) بیان کرده‌اند (مقصود روایت «ماغزی قوم فی عقر دارهم الا ذلوا»، هیچ قومی در درون خانه خویش به نبرد برنخواست مگر آن‌که دلیل شد: خطبه ۲۷: ۶۸) هرگاه روح دشمنی و تجاوز در کفار زنده می‌شد به جنگ با آنان برمی‌خاست و منتظر تجاوز ایشان نمی‌ماندند (شلتوت، ۱۳۹۹ ق: ۶۸).

دکتر وهبه زحیلی نیز همین نظریه را تقویت می‌کند: اصل در روابط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها بر مسالمت است تا جایی که بر شهرها یا بر مبلغان دینی و نوامیس اسلام و مسلمین دشمنی صورت گیرد، در اینجا جنگ ضرورتی برای دفاع از جان، مال و عقیده است (زحیلی، ۱۴۰۳ ق: ۱۲۰). رشید رضا نیز به این نظریه اعتقاد دارد: صلح و دوستی بین‌المللی اصلی است که باید مردم به آن پایبند باشند و به همین جهت خداوند به ما فرمان داده است که آن را بر جنگ برگزینیم (الوحي المحمى، ۱۴۰۸: ۳۱۲).

دلیل این دیدگاه نیز تمسک به آیات و روایاتی است؛ از جمله: *وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* (انفال / ۶۱). و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای دانا است. این آیه با توجه به آیات قبل و بعد که درباره یهود بنی‌قریظه است که پیمان شکنی کرده‌اند و یا کسانی که ترس از پیمان شکنی آنان می‌رود نازل گردیده است. در این آیه صلح را در صورت تسلیم دشمن به قبول آن، مجاز بلکه واجب اعلام می‌نماید. آیه دیگری که در کنار آیات جهاد با کفار آمده است، ولی با مضمون خود می‌تواند مفسر بعضی از اطلاعات آیات جهاد باشد در سوره ممتحنه است:

*لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ* \* *إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَكَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَكَّهُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ* (ممتحنه / ۸ و ۹).

خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کردند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند.

این آیه مبارکه نه تنها صلح عادلانه را که نیکی کردن به کسانی که سابقه اذیت و تعرض نداشته‌اند را نیز مطلوب می‌داند و به صراحت نهی از دوستی آنان و نیکی کردن به آنان را مخصوص سه گروه می‌داند:

- ۱- کسانی که به خاطر دین با مسلمین جنگیدند.
- ۲- کسانی که مسلمانان را از شهرشان (مکه) بیرون کردند.
- ۳- کسانی که برای تحقق اخراج مسلمانان اعلام حمایت و پشتیبانی نمودند.

این سه گروه با عملکرد خود زمینه دوستی مسلمانان را از دست داده‌اند و پروا ضح است که نفی صلح با اینان استثنایی بر اصل کلی رابطه با غیرمسلمانان محسوب می‌گردد (قاضی زاده، ۱۳۸۵: ۱۸).

## دفاع از سرزمین‌های اسلامی از دیدگاه فقها اربعه

حضور در صحنه دفاع از شرف، استقلال و سرزمین‌های اسلامی اختصاص به فقهای شیعه نداشته و علما و مفتیان اهل سنت در طول تاریخ هم با صدور فتوا و بیانیه مسلمانان را به دفاع در برابر متجاوزان تشویق کردند (سپهر، ۱۳۸۴: ۱ / ۳۵۷) که در ادامه شرح داده می‌شوند:

### جهاد با دول متجاوز در جنگ جهانی اول

دو سال بعد با آغاز جنگ جهانی اول دول متحد اروپایی کشور اسلامی عثمانی را مورد حمله قرار داده و شهرهای ایران و عراق مورد تاخت و تاز متجاوزان قرار گرفت. در این مقطع نیز فقهای شیعه و علمای اهل سنت با صدور فتاوی جهاد و دفاع در برابر متجاوزان مردم را با وظایف دینی‌شان آشنا کردند. سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید اسماعیل صدر، سید مصطفی کاشانی، محمد علی نخجوانی، سید علی تبریزی، مهدی خراسانی، شیخ جواد نجل صاحب جواهر، سید مصطفی نخجوانی، ایروانی، محمد سعید حبوبی، محمد حسین مازندرانی، علی بن شیخ، مهدی آل سید حیدر حسینی حسینی، عبدالحسین اسدالله، سید حسن صدرالدین، ابراهیم سلماسی کاظمی، راضی آل مرحوم شیخ عزیز، محمد مهدی، محمد امین آل مرحوم شیخ اسدالله، میرزا محمد تقی شیرازی، با فتاوی به رسالت دینی و تاریخی خود عمل کردند. در این فتاوا غالباً دفاع از بلاد اسلامی، جان و مال مسلمانان، از ضروریات دینی و منکر آن از کفران شمرده شده است (سپهر، ۱۳۸۴: ۲۸۰). به عنوان نمونه در ادامه به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: «اهالی مذاهب معروفه مسلمین امروزه منحصر است در فرق سنیه و امامیه و اسماعیلیه و زیدیه و وهابیه و خوارج و جمع علمای جمیع این مذاهب اتفاق و اجماع دارند که با هجوم کفار بر بلاد اسلامی و اشتغال به قتل رجال و نهب اموال و بلند کردن کلمه کفر و پست نمودن کلمه اسلام، بر هر مسلم قدری لازم است به آنچه مقدور اوست در دفاع از کفار و مشرکین و کسر صولت معاندین دین بذل جهد نماید و خود را از ملامت دنیا و عذاب آخرت نجات دهد و از قدر میسور به تقصیر و فتور راضی نشود. یکی به مال، دیگری به جان، ثالثی به بذل سلاح، رابعی به آبرو و جاه، خامسی به اعمال حیله و تدبیر، سادسی به زدن تفنگ و تیر و هکذا، خداوند تبارک و تعالی فرمود: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» و آنچه گفتیم هر یک قسمتی است از قوه و صنفی است از عده‌ای برادران دینی و ای معاشر مسلمین! از خواب غفلت بیدار شوید قبل از آنکه نعره‌های توپ و تفنگ و هیاهوی صفوف جنگ، شما را بیدار کند، راضی نشوید توحید شما به تثلیث و مساجد شما به کنایس و اذان شما به ناقوس بدل شود. مردان شما سائیس و مهتر دواب کفار و زنان و اطفال شما اسیر و غلام و کنیز اشرار شده، دست به دست فروخته شوند یا باروهای باز و بدن‌های برهنه و شکم‌های گرسنه دست آن‌ها به گدایی نزد کفار دراز باشد. شرف خود را حفظ کنید و خود را نزد خدا و پیغمبر خدا روسفید کنید تا استقلال شما محفوظ بماند. ان شاء الله» (سپهر، ۱۳۸۴: ۲۹۸).

### انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس

در طول تاریخ با وجود جدا شدن بخش‌هایی از خاک اصلی گستره تمدن ایرانی اما همواره به موجب احساس تعلق به سرزمین، شاهد حرکت‌های بلندی در مسیر تاریخ بوده که بسیاری از ایرانیان صرف نظر از قوم و آیین خود در آن سهیم بوده‌اند. انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس نیز میراث فرهنگی و سیاسی گران بهایی است که توسط تمام اقوام و اقلیت‌های دینی خلق شد و همه آن‌ها اعم از مذهب شیعه و سنی و نیز هم‌وطنان مسیحی، زردشتی و کلیمی با تأثیرپذیری از عواملی چون ایرانی و اسلامی بودن در خلق آن نقش محوری داشتند. جمهوری اسلامی ایران کشوری با قومیت‌های متنوع است؛ و برخلاف نام و نشان بسیاری از



کشورهای غیرمرتبط با ادیان، اقوام و زبان‌های رایج که هیچ ارتباطی با هویت ملی مردمان ملی مردمان خود ندارند، نام ایران نشان‌دهنده هویت جمعی همه ایرانیان و بیانگر وجود اقوام گوناگون، پیروان مذاهب مختلف و گویشوران به زبان‌ها و گویش‌هایی متنوع است که همگی ایرانی خوانده می‌شوند. در واقع، گوناگونی در ایران عامل همگرایی و تعاملات درونی است که به تکامل ملی می‌انجامد و عامل واگرایی نیست (کاظم یثاری، ۱۳۹۰: ۲۶). مروری بر تاریخچه ۸ سال دفاع مقدس گویای همبستگی این اقوام و اقلیت‌های دینی در جهت دفاع از میهن اسلامی است. هم‌وطنان مسلمان اعم از شیعه و سنی در صحنه‌های دفاع از مرزهای ایران تاریخ‌سازی کردند. واقعیت آن است که در جنگ تحمیلی مسائل فرعی کنار گذاشته شد و تمامی اقوام و مذاهب اعم از مسیحی و مسلمان یکپارچه به میدان آمدند و همین اتحاد باعث به سرانجام رسیدن دفاع مقدس شد به گزارش خبرنگار حوزه حماسه و مقاومت گروه فرهنگ و هنر خبرگزاری آنا، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در جریانات پیروزی انقلاب اسلامی، برادران اهل سنت همواره در صحنه بوده‌اند و مانند دیگر هم‌وطنان از جان و مال خود در دفاع از کیان اسلامی و اسلام ناب محمدی گذشته‌اند و شهدای متعددی را به نظام مقدس جمهوری اسلامی تقدیم کرده‌اند (همان).

بسیاری از بسیجیان و رزمندگان اهل سنت نیز در خطوط مقدم جبهه عراقی‌ها را در پشت خاک‌ریزها نگه داشتند و تا آخرین فشنگ و آخرین قطره خون خود مقاومت و ایستادگی کردن تا به شهادت رسیدند. در واقع در یک وحدت حقیقی و به‌دوراز تندروی‌ها به ریسمان بلند الهی در حفظ اسلام و تمامیت ارضی کشور چنگ زدند و با پیروی از حضرت امام (ره) خود را حافظ اسلام و میهن اسلامی و مسئول دیدند. هم‌وطنان اهل سنت ۱۱ هزار شهید به انقلاب و دفاع مقدس تقدیم کردند در میان این شهدا حدود ۱۰۰ نفر از روحانیون اهل سنت هستند که به طرق مختلف در دفاع از انقلاب اسلامی و حفظ وحدت به شهادت رسیده‌اند (خبرگزاری حماسه و مقاومت گروه فرهنگ و هنر، ۱۳۹۷/۰۹/۰۳).

### وحدت جامعه اسلامی و حفظ تمامیت ارضی

نظام سیاسی قدیم در جهان اسلام، مقید به جغرافیای خاص مرز کشی‌های سرزمینی نبود و تعدد خلافت و امامت و تعدد دولت در جهان اسلام را نمی‌پذیرفت، چرا که استوار بر محور امام یا خلیفه بودند و نه جغرافیای معین و صرفاً به مرزهای عقیدتی و نه سرزمینی باور داشتند؛ اما اهل تسنن از یک سو، مخصوصاً با فروپاشی امپراتوری عثمانی به تدریج به سمت سوی پذیرش مفهوم مرزهای قدرت یا رزهای سرزمینی روی آوردند و هم تعدد حکومت و دولت‌های اسلامی را پذیرفتند و هم تعدد مرزهای سیاسی را؛ از سویی دیگر اهل تشیع با بازسازی دولت شیعی بر پایه شورا و ملیت، به تدریج مفهوم مرز و جغرافیا را بر مبنای قدرت سیاسی در مقوله تعدد دول‌ها و حکومت‌ها پذیرفتند بنابراین مسلمانان، چه شیعیان و چه اهل تسنن، با گذر زمان و بنابر ضرورت‌های موجود با پذیرش برخی تعدیل‌ها، مفهوم جغرافیا و سرزمین و مرزهای ملی سرزمینی را به‌مثابه واقعیت پذیرفتند (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

در تداوم حیات سیاسی یک ملت و استمرار وحدت ملی و تمامیت ارضی یک کشور، عوامل گوناگونی می‌توانند نقش داشته باشند؛ هرچند به نظر می‌رسد که نقش مردم یک کشور از سایر عوامل مهم‌تر باشد. مؤلفه‌هایی مانند زبان و فرهنگ و تاریخ و سرنوشت مشترک باعث می‌شوند تا مردم یک کشور در برابر خطراتی که هویت ملی و تمامیت ارضی آن‌ها را تهدید می‌کند، مقاومت کنند و پایداری خود را در مسیر تاریخ تأمین و تضمین کنند. بدون

تردید تا مردم یک کشور نتوانند میان خود و سرزمینی که زیستگاه آنان است پیوندی برقرار کرده و به آن پیوند ایمان پیدا کنند، نه تنها در راه حفظ آن محدوده‌ی جغرافیایی حاضر به ایثار جان و مال نیستند، بلکه کمترین زحمت و دشواری را هم در این راه متقبل نخواهند شد. بنابراین، هرگاه جمعی از انسان‌ها در یک محدوده جغرافیایی، میان خود و زیستگاه خویش احساس یگانگی و هویت مشترک بکنند، پیوندی ناگسستنی بین آنان و سرزمینشان برقرار می‌شود که ضامن ماندگاری آنان است و به ایجاد یک حوزه تمدنی منجر خواهد شد. پایداری سرزمینی به نام ایران، به‌رغم همه‌ی قبض و بسط‌های حوزه جغرافیایی‌اش، به‌عنوان یک کشور با یک حوزه تمدنی مشخص در تاریخ، دلیل روشنی است مبنی بر اینکه میان این مرز و بوم و ساکنان آن، پیوندی عمیق برقرار بوده است (تقوی مقدم، ۱۳۸۳: ۱۷).

از طرفی از وظایف حاکم اسلامی و مردم است که وحدت را در جامعه برقرار کند. مردم در یک جامعه اسلامی دارای افکار و عقاید، مذهب و سلیقه‌های متفاوت هستند. این امر نباید باعث این شود که در جامعه اختلاف و دودستگی به وجود آید. چراکه دشمنان سعی دارند با ایجاد اختلاف در جامعه اسلامی آنان را ضعیف کرده و زیر سلطه خود درآورند. حاکم اسلامی ضمن احترام به افکار و عقاید و سلیقه‌های مردم لازم است، در بین مردم وحدت را ایجاد نماید. طبق دستور قرآن کریم که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران / ۱۰۳). و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ زنید و پراکنده نشوید. جامعه اسلامی در سایه وحدت است که می‌تواند به رشد و تکامل برسد و همه انسان‌ها در انتخاب احزابی که در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند، آزاد هستند و طبق آیات قرآن کریم، انسان در انتخاب دین و مذهب خود مجبور نیست. حق دارد، هر دین و مذهبی را داشته باشد. همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...» (بقره / ۲۵۶). در انتخاب دین هیچ اکراهی نیست. پس اگرچه مردم در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، ولی در انتخاب مذهب خود آزادند (برجی، ۱۳۹۶: ۶۷).

علما و بزرگان جهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، همواره کوشیده‌اند اختلافات خود را که جنبه اعتقادی دارد، با بحث و گفت‌وگوی علمی مورد مذاقه و کنکاش قرار دهند و به‌شدت از تفرقه و دودستگی اجتناب کنند. به‌عبارت‌دیگر همواره نقاط افتراق تحت‌الشعاع نقاط اشتراک قرار گرفته است. اساساً اختلافات بین این دو مذهب هرگز جنبه جدی به خود نگرفته و هرگاه درگیری و اختلافی بین مسلمانان روی داده، دست دشمنان اسلام در آن پیدا بوده است (عیوضی، ۱۳۸۶: ۱۷).

### مشابهت‌های اعتقاد امامیه و اهل سنت در موضوع جهاد از دیدگاه کولبرگ

کولبرگ به برخی مشابهت‌های اعتقاد امامیه با اهل سنت پیرامون جایگاه «جهاد» در اعتقاد امامیه در مقایسه با رویکرد اهل سنت به این مسئله، اشاره می‌نماید که عبارت‌اند از: اهمیت فراوان مسئله جهاد؛ با استناد به روایات ائمه و اقوال اندیشمندان امامی و نیز دیدگاه‌های اهل سنت.

- عام بودن مفهوم «جهاد»؛ که شامل تلاش‌های مادی و معنوی در مسیر کسب فضیلت‌ها می‌گردد؛ مانند جهاد با نفس، علم‌آموزی و کتمان اسرار مذهب. وی سپس با اشاره به پاره‌ای از روایات، مفهوم جهاد از دیدگاه امامیه را در چهار بخش تقسیم می‌نماید: جهاد با نفس، جهاد در برابر کفار (دفاعی)، جهاد در برابر مطلق دشمنان (تهاجمی) و تلاش در احیاء سنت پیامبر و سلف صالح.

- افضل بودن برخی عبادات خاص در مقایسه با جهاد که به استناد عده‌ای از روایات جوهر قلم دانشمندان بر خون شهدا، مؤذن بر شهید و مراقبت از پدر و مادر بر شرکت در جهاد برتری داده شده است.

سپس مؤلف به تبع گلدزیهر، این‌گونه روایات را بازتاب اندیشه علمای امامی در مخالفت با گرایش شهادت‌طلبی متعصبانه آن‌طور که برخی فرقه‌ها مانند خوارج بدان پایبند بوده‌اند می‌داند؛ اما خاطرنشان می‌سازد؛ از آنجائی که این روایات از جوامع حدیثی شیعی سنی هر دو استخراج گردیده است، به‌تنهایی مدرکی جهت اثبات بی‌میلی شیعه نسبت به جهاد به شمار نمی‌آید (Kohlberg, ۱۹۷۶: ۶۴).

### طبقه‌بندی تفاوت‌های نظری شیعه و اهل سنت پیرامون جهاد از دیدگاه کولبرگ

کولبرگ با اشاره گذرا به برخی احکام فقهی مشابه میان امامیه و اهل سنت پیرامون جهاد، تفاوت‌های میان این دو مذهب در موضوع جهاد را در دو حوزه اصلی طبقه‌بندی نموده و در ذیل هر یک به بیان تفاوت‌ها می‌پردازد:

#### ۱- هویت فرماندهی جهاد

در نگاه اول، وظیفه فرماندهی جهاد در میان امامیه و نیز اهل سنت از حقوق ویژه حاکم جامعه یا امام دانسته شده است، اما امامیه این وظیفه را منحصر در دوازده امام یا نمایندگانی می‌داند که از سوی خداوند جهت اجرای این حکم الهی منصوب گشته‌اند.

#### ۲- هویت دشمنان در جهاد

هرچند هر دو مذهب در اصل جنگ علیه مشرکان، مرتدان، اهل کتاب و اهل بغی اتفاق نظر دارند، اما فقه امامی و فقه عامه وضعیت متفاوتی از «اهل بغی» تصویر نموده‌اند. این تفاوت به تعریف علمای دو مذهب از «اهل بغی» و نیز به اهمیتی که هر دو مذهب برای جنگ علیه این فرقه قائل گشته‌اند بازمی‌گردد.

این اصطلاح از سوی اهل سنت بر مسلمانان مخالف حاکم قانونی اطلاق می‌گردد؛ اهمیت مبارزه با این دسته به هنگام تهدید حکومت از سوی عناصر داخلی یا خارجی مخالف با جامعه اسلامی آشکار می‌گردد. نویسنده در ادامه با اشاره به نمونه‌هایی از این تهدید، در مجموع از دیدگاه اهل سنت، جهاد علیه کفار را در مقایسه با جهاد علیه اهل بغی دارای اولویت می‌داند. سپس کولبرگ در مقابل این دیدگاه، «اهل بغی» از سوی امامیه را مسلمانانی می‌داند که علیه حکومت یکی از ائمه دوازده‌گانه دست به قیام زنند. وی، مبارزه با این دسته را براساس اندیشه امامیه اعتقادی محوری ذکر نموده که مشروط به شرایط خاصی نمی‌گردد. کولبرگ می‌گوید: هرچند شیعه به جهاد علیه کفار پایبند بودند، با این حال تبدیل جامعه اسلامی به جامعه ایمانی (مطابق با اصول و ارزش‌های شیعه امامیه) را گامی اساسی دانسته که می‌بایست پیش از جهاد علیه کفار مورد توجه قرار گیرد. مراد از جامعه اسلامی در این دیدگاه آن دسته از حکومت‌های مسلمان است که امامت علی و فرزندانش (علیه‌السلام) را نپذیرفته و اغلب نسبت به ایشان عناد می‌ورزند و لذا به‌مانند اهل بغی به آن‌ها نگریسته می‌شود. کولبرگ بر این اساس، جهاد با اهل بغی در میان امامیه را در مقایسه با سایر انواع جهاد مهم‌تر دانسته، آن را این‌گونه تعلیل می‌نماید که به مرور زمان «اهل بغی» نمادی برای جمعیت منفور اهل سنت شدند؛ جمعیتی که شیعه از دست آنان در طول قرون متمادی، آزار و اذیت بسیاری را متحمل شد (Kohlberg, ۱۹۷۶: ۶۸).

#### تمامیت ارضی از دیدگاه فقها شیعه و فقها مذاهب اربعه

با بررسی اقوال و دیدگاه‌های اکثر فقها، اعم از شیعه و سنی، می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از وظایف حاکم اسلامی، این است که از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کند. این امر تحقق پیدا نمی‌کند، جز با مشارکت مؤثر و همراهی مردم. در صورتی که مردم همراه حاکمیت باشند استقلال و تمامیت ارضی کشور حفظ خواهد شد. (برجی، ۱۳۹۶: ۷۰). همان‌گونه که در فصل دوم اشاره شد فقها شیعه در رابطه با این موضوع به اجماع نظر

رسیده‌اند که دفاع از سرزمین و بلاد مسلمین از واجبات است و در این خصوص تفاوتی میان مذاهب مختلف وجود ندارد و همگی بایستی در یک اتحاد و همدلی در برابر حمله دشمن به مرزهای سرزمین خود دفاع کنند. ایشان دفاع از مملکت اسلامی را از واجبات شرعی الهیه‌ای می‌دانند که بر همه واجب است؛ و بر امر اتحاد و همدلی میان مذهب شیعه و سنی و نیز دیگر اقلیت‌ها تأکید بسیار کرده‌اند.

تا آنجا که این مهم در قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است و فقهای شیعه در اصول مختلف به‌ویژه اصل نهم قانون اساسی به امر حفظ تمامیت ارضی بسیار تأکید نموده‌اند که در فصل دوم مفصلاً شرح داده شده‌اند و هدف اول جمهوری اسلامی را حفظ تمامیت ارضی و مرزی خود و تأمین استقلال سیاسی و حکومت ملی می‌دانند. (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۳)؛ و در اصول مختلف به‌خصوص اصل ۷۸، به تعیین خطوط مرزی و نیز در اصل هفتم و یک صدم، نهادهای مسئول حفظ قلمرو ملی را به‌خوبی مشخص و معین کرده‌اند. در بررسی دیدگاه فقها مذاهب اربعه در مسئله حفظ تمامیت ارضی مشخص شد که با وجود اختلافاتی که میان فقها مذهب شیعه و مذاهب اربعه وجود دارد، فقهای مذاهب اربعه اتحاد را در صیانت از مرزهای کشور به شکل رسمی پذیرفته و در طول تاریخ از جمله در زمان جنگ جهانی اول و ۸ سال دفاع مقدس در کنار سایر مذاهب برای صیانت از مرزهای کشور تلاش کردند که آمار ۱۱ هزار شهید از اهل تسنن در این دوره دلیل بر این مدعاست. این دیدگاه فقها مذاهب اربعه بر اساس جهاد و دفاع در مقابل دشمنان از سرزمین شکل گرفته است چراکه فقهای اهل سنت نیز همانند فقهای شیعه، جهاد را از عبادت‌های بزرگ و واجبات مهم دین می‌دانند با این اختلاف نظر که تفاوتی میان جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قائل نیستند و این امر مسئله‌ای در صیانت از مرزهای کشور ایجاد نکرده است؛ زیرا همان‌گونه که مشخص است قول به اطلاع و جوب جهاد دفاعی اختصاص به فقیهان شیعه ندارد و فقهای مذاهب اهل سنت نیز جهاد دفاعی را واجب عینی دانسته و مشروط به شرایط جهاد ابتدایی نمی‌دانند (مروراید، ۱۴۱۰: ۱۲/۵).

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که فقها مذاهب اربعه مانند فقها مذهب شیعه دفاع سازمان‌یافته از کشور در برابر تهاجم دشمنان که از آن به جهاد دفاعی یاد می‌کنند را پذیرفته و به آن پایبند هستند و در این موضوع که «بر اهالی تمام اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند» اتفاق نظر دارند.

بر اساس نظر فقهای شیعه و مذاهب اربعه، وظیفه هر مسلمانی است که برای جلوگیری از تسلط کفار بر بلاد اسلام به دفاع از آن برخیزد. وجوب دفاع در اسلام از ضروریات فقه است که به حکم عقل و شرع واجب است. در دیدگاه ایشان اهمیت دفاع به‌منظور جلوگیری از محو اسلام و از بین رفتن جامعه اسلامی و حراست از استقلال، جان و مال و ناموس مسلمان‌هاست. دفاع و جهاد در اسلام برای حفظ ارزش‌هاست و همگی بر این مسئله توافق نظر دارند به‌عنوان مثل روزی که حضرت امام فرمان دفاع از کشور را در برابر تجاوز دشمن بعثی صادر کردند، نیروهای نظامی و مردمی باوجود مذاهب مختلف، دو شادوش یکدیگر، حماسه هشت سال دفاع مقدس را رقم زدند.

شرح این نکته حائز اهمیت است که جهاد دفاعی تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته‌اند، بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین‌های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع کنند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نمایند. بخصوص اگر کسانی که مورد حمله قرار گرفته‌اند توانایی مقاومت در برابر مهاجمان را نداشته باشند (ورعی، ۱۳۸۲: ۲۸). این مطلب مورد اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت است، چون ادله عام است و اختصاص به گروه معینی از مسلمانان ندارد، اضافه

بر آن احادیثی چون «من سمع مسلما ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۶۰/۵)؛ و «من أصبح لایهتّم بامور المسلمین فلیس» و «المؤمنون اخوةٌ تتکافؤ دماءهم و هم ید علی من سواهم» پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) مسئولیتی همگانی را برای مسلمان اثبات می کند (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۱۴۸).

امروزه اصل استقلال و تمامیت ارضی به‌عنوان یک مفهوم جهانی مورد توجه کلیه نهادهای حقوقی و بین‌المللی است، در میثاق ملل (ماده ۱۰) و منشور ملل متحد به‌عنوان یکی از اصول مهم مورد توجه قرار گرفته است و کلیه اعضاء را از مداخله یا تهدید به‌زور یا استعمال آن علیه وحدت سرزمینی دولت‌ها منع می‌نماید (اصل ۴ و ۷ از ماده ۲). در کشور ما نیز وجود هفت اصل از قانون اساسی پیرامون حفظ قلمرو ارضی و مرزی که در مقابل نگرش دارالاسلام و مرزهای عقیدتی اسلام قرار دارد و کوچک‌ترین تغییر و جابجایی را برابر با نقض استقلال سیاسی کشور دانسته است، نشان از اهمیت قلمرو ملی و حفظ حدود و ثغور کشور است. حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی، وظیفه آحاد ملت و مسئولین است و استقلال کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، موجب اقتدار کشور در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی خواهد شد و وحدت ملی را تقویت می‌کند. اگرچه حفظ تمامیت ارضی چه از منظر ملی و چه از منظر بین‌المللی بسیار پراهمیت است اما بررسی‌ها در این تحقیق حاکی از آن است که در این بین اتحاد و همدلی میان مذاهب مختلف اعم از شیعه و مذاهب اربعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از این رو متفکران جهان اسلام، به‌ویژه علمای اهل سنت و شیعه، باید با طرحی وحدت محور و همفکری، به منظور حفظ انسجام اسلامی که عامل مهم اقتدار هر چه بیشتر امت اسلامی است، کوشش نمایند و برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان علیه جهان اسلامی عزم و اراده نمایند. حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور معروفی است ارزشمند. از وظایف حاکم اسلامی، این است که از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کند. مردم این حق را دارند که در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، جامعه‌ای مستقل باشد. زیر سلطه هیچ فرد یا گروهی یا کشوری نباشد.

کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از ملت یکپارچه است که همگان به هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند. این مهم جز با سیاست‌گذاری و مدیریت مناسب به دست نمی‌آید. کشورهای که گروه‌های قومی مختلف دارند باید در برنامه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با اتخاذ سیاست‌های خاص به گروه‌های قومی احترام گذارند و در راستای ایجاد همگرایی و حفظ تمامیت ارضی جامعه گام بردارند. در کشور که گروه‌های قومی مختلف دارند بایستی مسئولین در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با اتخاذ سیاست‌های خاص مربوط به گروه‌های قومی و با احترام گذاردن به تعدد آن، در راستای ایجاد همگرایی، یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی جامعه گام بردارند.

۱. آقا بخشی، علی؛ افشاری راد، مینو. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
۲. آقابخشی، علی. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی، جلد ۳. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۳. آجدانی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). علما و انقلاب مشروطیت ایران. تهران: نشر اختران.
۴. آقایی، بهمن. (۱۳۸۲). فرهنگ حقوق بهمن. تهران: گنج دانش.
۵. آصفی، محمدمهدی. (۱۴۲۱). لالجهاد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۶. افضل‌الدکانی، محسن. (۱۳۸۹). نظارت و نهادهای نظارتی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. الرحمانی، شیخ محمد. (۱۴۲۴). قاعده نفی السبیل منهج فی الاستقلال و مقاومه الهمینه. مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۳۲.
۸. الوحی‌المحمدی، محمدرشید رضا. (۱۴۰۸). بیروت: موسسه الرساله.
۹. اسماعیلی، محسن؛ غمامی، سیدمهدی. (۱۳۸۹). مطالعه فقهی حقوقی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴.
۱۰. ابراهیمی، حسین. (۱۳۷۹). اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. برجی، علی. (۱۳۹۶). امر به معروف و نهی از منکر زمینه‌ساز حقوق شهروندی. مجموعه مقالات همایش ملی مسئله شناسی و پاسخ‌گویی به مسائل قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، جلد ۲. انتشارات خیرالبریه.
۱۲. بلاغی، محمد جواد. (۱۴۳۱). الرحله المدرسیه. قم: مرکز احیاء التراث الاسلامی، چاپ دوم.
۱۳. بجنوردی، سیدمحمدبن حسن موسوی. (۱۴۰۱). قواعد فقهیه. تهران: موسسه عروج، چاپ سوم.
۱۴. بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹). القواعد الفقیهیه. قم: نشر الهادی.
۱۵. برنوسیمما. (۱۳۷۸). ناتو، سازمان ملل و جنبه‌های حقوقی استفاده از زور؛ ترجمه محمدجعفر قنبری جهرمی. مجله حقوقی، شماره ۲۴.
۱۶. تقوی مقدم، سیدمصطفی. (۱۳۸۳). قبله عشایر، کعبه کشور. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳.
۱۷. جعفری، عباس. (۱۳۸۹). تعامل آزادی و امنیت. مجله تعالی حقوقی، شماره ۷.
۱۸. جمعی از محققان مدرسه عالی امام خمینی (ره). (۱۳۹۲). دفاع مشروع: بررسی فقهی مسئله ترور از دیدگاه امام خمینی (ره). موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، عروج.
۱۹. چوپانی یزدلی، محمدرضا. (۱۳۸۰). چشم‌اندازهای حقوقی شوراها و شوراهای اسلامی. مجله بصیرت، ش ۲۵.
۲۰. حائری، سیدکاظم. (بی‌تا). الکفاح المسلح فی الاسلام. الرسول المصطفی.
۲۱. حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۷). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با تمدت مغرب. تهران: امیرکبیر.
۲۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.
۲۳. حلّی، حسین‌بن یوسف (علامه حلّی). (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء. قم: موسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول.
۲۴. حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی). (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۵. خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۱). کتاب‌البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.

۲۶. خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). صحیفه نور، جلد ۵. تهران، انتشارات مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۷. خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۱۳. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۸. دوزوره، موریس. (۱۳۶۹). جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ.
۲۹. رشید رضا، محمد. (۱۹۹۰). تفسیر المناره.
۳۰. روشن، حسن. (۱۳۹۴). تحلیل اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳۱. رهان، مهدی؛ کریمی، غلامرضا؛ قربانی، ارسلان؛ منوری، علی. (۱۳۹۸). هم سویی ایدئولوژی و منافع ملی و روند قدرت یابی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۴۰.
۳۲. روزنتال، فرانس. (۱۳۷۹). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان، ترجمه منصور میراحمدی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۳۳. زرقانی، سیدهادی. (۱۳۸۶). مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
۳۴. زارعی، بهادر؛ پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). قلمرو جغرافیایی کشور و قانون اساسی ایران. پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱.
۳۵. زحیلی، وهبه. (۱۴۰۳ ق). العلاقات الدولیه فی الاسلام. بیروت: موسسه الرساله.
۳۶. زارعی، بهادر؛ ذکی، یاشار. (۱۳۹۰). اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸.
۳۷. سریع القلم، محمود. (۱۳۷۹). سیاست خارجی ایران، پارادایم ائتلاف. انتشارات مطالعات استراتژیک.
۳۸. ساعد، نادر. (۱۳۸۳). مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوق بین المللی. مجله اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۷.
۳۹. سیمبر، رضا. (۱۳۸۰). منع تجاوز، مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی در حقوق بین الملل. مجله سیاسی اقتصادی.
۴۰. سریع القلم، محمود. (۱۳۷۰). سیاست خارجی ایران پارادایم ائتلاف. تهران: انتشارات مطالعات استراتژیک.
۴۱. سلطانی، محمدجواد. (۱۳۹۲). نگاهی به دفاع مشروع از دیدگاه فقه شیعه. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۲. سپهر، محمد تقیبن محمد علی. (۱۳۸۴). ناسخ التواریخ، جلد ۱. انتشارات اسلامی.
۴۳. سیدقطب، قطببن ابراهیم. (۱۴۱۲). فی ضلال القرآن. بیروت: دارالشروق، چاپ ۱۷.
۴۴. شافعی، محمدبن ادريس. (۱۴۲۲). الأم. قاهره: دارالوفاء، چاپ اول.
۴۵. شریعتی، روح الله. (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴۶. شفیعی، سمیه سادات؛ سهیلی، سیده فاطمه. (۱۳۹۴). نقض تمامیت ارضی ایران پس از مشروطه و تحلیل کنش های مقاومت آمیز علیه آن. جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۳.
۴۷. شیخ طوسی. (۱۴۰۰ ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی.
۴۸. شلتوت، شیخ محمود. (۱۳۹۹ ق). من توجیهات الاسلام. بیروت: دارالشروق، چاپ ششم.



۴۹. شیخ مفید. (۱۴۱۴). مجالس.
۵۰. شعبانی، قاسم. (۱۳۷۴). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
۵۱. عزیزان، مهدی؛ فاکرمبیدی، محمد؛ نجفی، مرتضی. (۱۳۹۴). پژوهش‌های اندیشه قرآنی، شماره ۱.
۵۲. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۲). کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم.
۵۳. عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۶). اتحاد و انسجام؛ زمینه‌های شکل‌گیری. پرتال جامع علوم انسانی.
۵۴. عبده، محمد. (۲۰۰۵). رساله التوحید.
۵۵. غمامی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). نسبت آزادی‌ها و امنیت اقتصادی در نظام حقوق اساسی ایران. فصلنامه علمی مطالعات امنیت اقتصادی، شماره ۲.
۵۶. فضل‌الله، محمد حسین. (۱۴۱۹). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک، چاپ دوم.
۵۷. قاضی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). بایسته‌های حقوق اساسی. میزان.
۵۸. قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۵۹. قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۵). جنگ و صلح از دیدگاه قرآن. پرتال جامع علوم انسانی.
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۶۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸). انتشارات دوران.
۶۲. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع الأحكام القرآن، جلد ۱۸. تهران: ناصر خسرو.
۶۳. قادری، حاتم. (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران. تهران: سمت.
۶۴. کاشف الغطاء، جعفر. (۱۴۲۲). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۶۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). مبانی حقوق عمومی. تهران: میزان.
۶۶. کرم زاده، سیامک؛ فیض، زهرا. (۱۳۹۸). قاعده نفی سیل و الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و عرب، شماره ۲.
۶۷. کیانی، سورنا. (۱۳۹۵). الگوی راهبردی دفاع همه جانبه از منظر قرآن کریم. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۶۸. کلینی. (۱۳۷۹). اصول کافی، جلد ۵؛ ترجمه محمد باقر کمره ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۶۹. کاظم یتاری، تقی. تأثیر زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی بر همگرایی پیروان ادیان مختلف در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
۷۰. لکزایی، شریف. (۱۳۷۹). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان در نگاه دیگر. فصلنامه علوم یاسی، شماره ۱۱.
۷۱. لنکرانی، محمد فاضل موحدی. (۱۴۱۶). القواعد الفقہیہ. قم: چاپخانه مهر، چاپ اول.
۷۲. مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

۷۳. مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی-سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
۷۴. م. مصطفوی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۱). مائه قاعده فقهیه. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲). بحوث فقهیه هامه. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع)، چاپ اول.
۷۶. مراغی، سیدمیر عبدالله ابن علی. (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۷۷. Kohlberg, Etan. (1979). The Development of The Imami Shi'i Doctrine of Jihad",
۷۸. Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. 126.